

بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن عماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق؛ طبقات الشافعیة الكبرى: تاج الدین السبکی (م. ۷۷۱ق.)، به کوشش الطنحی و عبدالفتاح، هجر للطباعة و النشر، ۱۴۱۳ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ الکنی و الالقاب: شیخ عباس القمی (م. ۱۳۵۹ق.)، تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۶۸ش؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر؛ الوفيات: ابوالعباس احمد بن علی بن الخطیب (م. ۸۰۹ق.)، به کوشش عادل نویض، بیروت، دار الاقامة الجدیده، ۱۹۷۸م.

منصور رمضان خانی



### ابوالهیثم بن تیهان: صحابی پیامبر ﷺ و

از یاران شهید امیر مؤمنان علی (ع)

ابوالهیثم مالک بن تیهان بن مالک انصاری از تیره زعوراء قبیله اوس<sup>۱</sup> و حلیف

۱. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۷۳؛ الاصابه، ج ۷، ص ۳۶۵.

بنی عبدالاشهل\* بود.<sup>۲</sup> برخی او را از قبیله بلی از قُضاعه دانسته‌اند.<sup>۳</sup> در نسب او نقل‌های دیگر نیز آمده است.<sup>۴</sup> هر چند در برخی گزارش‌ها از همراهی پدرش با پیامبر ﷺ در غزوه خیبر به سال هفتم ق. یاد شده،<sup>۵</sup> ابن حجر آن را خطای راویان دانسته، این احتمال را تقویت می‌کند که او اسلام را در ک نکرده است.<sup>۶</sup> مادرش را لیلی بنت عتیک<sup>۷</sup> دانسته‌اند.

بیزاری از بت‌ها از ویژگی‌های زندگی پیش از اسلام ابوالهیثم بوده است. از این رو، گروهی او را موحد می‌دانستند.<sup>۸</sup> وی در سال یازدهم بعثت پس از بازگشت دو تن از خزر جیان از حج، از ظهور دین جدید آگاه شد و اسلام آورد.<sup>۹</sup> سپس در بیعت عقبه اول به سال دوازدهم بعثت<sup>۱۰</sup> و عقبه دوم به سال سیزدهم<sup>۱۱</sup> حضور یافت و به عنوان نقیب

۲. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۱۶؛ الاصابه، ج ۷، ص ۳۶۵.

۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۴۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۳۴۸.

۴. البداية و النهایه، ج ۷، ص ۱۰۴.

۵. الثقات، ج ۳، ص ۴۲؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۶۲.

۶. الاصابه، ج ۱، ص ۴۹۹.

۷. الطبقات، ج ۳، ص ۳۲۲.

۸. الطبقات، ج ۳، ص ۳۴۱؛ البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۱۶۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۹۰.

۹. الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۹؛ دلائل النبوه، ج ۲، ص ۴۳۰-۴۳۱.

۱۰. البداية و النهایه، ج ۳، ص ۱۶۲؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۱۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۱؛ المنتظم، ج ۳، ص ۳۵.

جا به امامت پیامبر ﷺ نماز گزارد.<sup>۱</sup> پس از شهادت ابن رواحه در جنگ موته به سال هشتم مسئولیت وی را در نظارت بر امور زراعی و تقسیم خرما ی خیر از سوی پیامبر ﷺ عهده‌دار شد.<sup>۲</sup>

ابوالهیثم در کنار عمار یاسر و سلمان فارسی به دفاع از حق امیر مؤمنان علیه السلام پرداخت<sup>۳</sup> و از بیعت با ابوبکر سر باز زد. او را از جمله ۱۲ مخالف خلافت ابوبکر شمرده‌اند که در مسجد پیامبر به ابوبکر اعتراض کردند و هر یک در دفاع از حقانیت علی علیه السلام سخن گفت. ابوالهیثم با استناد به سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله که اهل بیت علیهم السلام را همانند ستارگان آسمان دانسته بود، بر حقانیت علی علیه السلام و شایستگی وی برای خلافت تأکید کرد.<sup>۴</sup> نیز در خطبه‌ای موسوم به طالوتیه، روایتگر کلامی از حضرت علی علیه السلام است که در آن، وی از کمی یارانش برای دفاع از حق خود شکوه کرده است.<sup>۵</sup>

از نقش ابوالهیثم در دوره خلافت ابوبکر پس از تثبیت حکومت وی گزارشی در دست نیست. تنها خودداری وی از ادامه مسئولیت

بنی‌عبدالاشهل، در شمار یکی از نقبای دوازده گانه<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ شد.<sup>۲</sup> بعضی نیز وی را حلیف بنی‌عبدالاشهل نامیده‌اند.<sup>۳</sup> بر پایه گزارشی، وی نخستین بیعت کننده با پیامبر بود.<sup>۴</sup> او در دیدار با ایشان، نگرانی جمعی از یثربیان را که با پذیرش اسلام پیمانشان را با یهودیان شکسته بودند، مطرح کرد و ایشان به او اطمینان داد که با دشمنان آنان دشمن و با دوستانشان دوست باشد.<sup>۵</sup>

در پیمان برادری به سال اول ق. پیامبر ﷺ میان او و عثمان بن مظعون\* از تیره بنی‌جمح قریش عقد برادری بست.<sup>۶</sup> وی در همه غزوه‌ها از جمله بدر و احد شرکت داشت<sup>۷</sup> و با دو شمشیر می‌جنگید. از این رو، وی را ذوالسیفین خواندند.<sup>۸</sup> او که از ثروتمندان مدینه بود، در نخلستان خود با گوشت گوسفند و خرما ی مرغوب و آب گوارا از پیامبر ﷺ و همراهانش که بسیار گرسنه بودند، پذیرایی کرد و همان

۱. المحبّر، ص ۲۶۸؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۲؛ مجمع البحرین، ج ۶ ص ۳۹۶.
۲. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۴۰؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۲۳؛ الاصابه، ج ۷، ص ۳۶۵.
۳. المغازی، ج ۱، ص ۱۵۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۴۵۵؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۶۲.
۴. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۳۴۸؛ البدایة و النهایه، ج ۳، ص ۱۶۳.
۵. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۲.
۶. الطبقات، ج ۳، ص ۳۴۲؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۱.
۷. الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۷۷؛ الاصابه، ج ۷، ص ۳۶۵.
۸. الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۷۷؛ الاصابه، ج ۲، ص ۳۴۵.

۹. اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۳۹؛ البدایة و النهایه، ج ۶ ص ۵۳.

۱۰. المغازی، ج ۲، ص ۶۹۱؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۳۲۲.

۱۱. الخصال، ص ۶۰۷-۶۰۸.

۱۲. الخصال، ص ۴۶۲؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ الیقین، ص ۳۳۶.

۱۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۱.

نظارت بر اراضی خبیر<sup>۱</sup> گزارش شده که می‌توان آن را نتیجه مخالفت با خلافت ابوبکر دانست. او در زمان عمر برای قیمت گذاری اراضی خبیر، از جمله فدک، همراه چند تن از صحابه برگزیده شد.<sup>۲</sup> گزارشی از حضور او در جلسات فقه و حدیث امام علی<sup>علیه السلام</sup> در دست است.<sup>۳</sup>

وی پس از مرگ عثمان همراه عمار یاسر و گروهی دیگر، مردم را به پذیرش ولایت حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> دعوت کرد و از مردم برای ایشان بیعت گرفت و از سوی ایشان برای مذاکره با کسانی که از بیعت اکراه داشتند، انتخاب شد.<sup>۴</sup> بر پایه گزارشی، امام او را همراه عمار مسئول بیت المال مدینه کرد.<sup>۵</sup> پس از آن که سخنان علی<sup>علیه السلام</sup> در تهییج مردم مدینه برای مقابله با تهاجم طلحه و زبیر به بصره، با برخورد سرد مردم روبه‌رو شد، ابوالهیثم از کسانی بود که مردم را به اجابت دعوت امام فراخواندند و برای جبران سستی دیگران، از امام حمایت کردند.<sup>۶</sup>

ابوالهیثم در جنگ صفین به سال ۳۷ ق. به تنظیم صفوف لشکر امام<sup>علیه السلام</sup> پرداخت.<sup>۷</sup> او پس از شهادت عمار<sup>۸</sup> و بر پایه گزارشی دیگر، پس از خطبه امام علی<sup>علیه السلام</sup> در دعوت به جنگ و شتاب به سوی بهشت، نخستین کسی بود که به میدان رفت و جنگید و به شهادت رسید.<sup>۹</sup> پس از شهادتش، امام<sup>علیه السلام</sup> بر او نماز گزارد و وی را به خاک سپرد.<sup>۱۰</sup> حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> از او در کنار بزرگانی همچون عمار و خزیمه ذوالشهادتین یاد کرده که بر راه حق استوار ماندند.<sup>۱۱</sup> این حاکی از جایگاه ممتاز او نزد ایشان است.

گزارشی ضعیف در گذشت ابوالهیثم را در زمان پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> یا عمر<sup>رضی الله عنه</sup> دانسته و محل دفن او را بقیع شمرده است.<sup>۱۲</sup> او روایت‌هایی درباره ثواب سلام و وظایف مشاور، از پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> و خطابه‌ای را از امام علی<sup>علیه السلام</sup> نقل کرده است.<sup>۱۳</sup> از جمله روایت‌هایش، حدیث غدیر است.<sup>۱۴</sup>

۷. المناقب، ص ۲۲۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۹۰.

۸. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۱۹؛ المناقب، ص ۲۲۳.

۹. الفتوح، ج ۳، ص ۱۷۷.

۱۰. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۱۹.

۱۱. نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۰۹؛ خطبه ۱۸۲.

۱۲. الطبقات، ج ۳، ص ۴۴۲؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۴۰.

۱۳. المجتبر، ص ۲۷۲؛ الاصابه، ج ۷، ص ۳۶۶؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۷۲.

۱۴. الاشارات الی معرفة الصحابه، ص ۸۰.

۱۵. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۴۰؛ ج ۴۱، ص ۱۱۶.

۱۶. الولایه، ص ۱۹۶-۱۹۸؛ الطرائف، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۱. الطبقات، ج ۳، ص ۳۴۲.

۲. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۹۵؛ فتوح البلدان، ص ۳۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۳. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۹۳؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ التحصین، ص ۶۳۱.

۴. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۷-۲۸.

۵. الاختصاص، ص ۱۵۲؛ الیقین، ص ۳۳۶.

۶. البداية و النهایه، ج ۷، ص ۲۳۳؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۱۱.

خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ المدینة المنورة: ابن شبة النمیری (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ التحصین: ابن طاووس (م. ۶۶۴ق.)، قم، دار الکتب، ۱۴۱۳ق؛ الثقات: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ دلائل النبوة: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۸-۲۱۳ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن عماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الطرائف: ابن طاووس (م. ۶۶۴ق.)، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۹۹ق؛ الغارات: ابراهیم الثقفی الکوفی (م. ۲۸۳ق.)، به کوشش محدث، بهمن، ۱۳۵۵ش؛ الفتوح: ابن اعثم الکوفی (م. ۳۱۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ فتوح البلدان: السبلدزی (م. ۲۷۹ق.)، بیروت، دار الهملاز، ۱۹۸۸م؛ الکافی: الكلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛

همسرش ملیکه دختر سهل بن زید بن عامر<sup>۱</sup> از مسلمانان و بیعت کنندگان بود و امیمه را به دنیا آورد.<sup>۲</sup> ابوالهیثم برادری به نام عبید یا عتیک داشت که در جنگ بدر در رکاب پیامبر ﷺ جنگید<sup>۳</sup> و در جنگ احد به شهادت رسید.<sup>۴</sup>

### ◀ منابع

الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجای، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الاشارات الی معرفة الزیارات: علی بن ابی بکر الهروی (م. ۶۱۱ق.)، قاهره، مكتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۲۳ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ الاختصاص: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش غفاری و زرنندی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: السبلدزی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البدء و التاريخ: المطهر المقدسی (م. ۳۵۵ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۳م؛ البداية و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مكتبة المعارف؛ تاریخ ابن

۱. الطبقات، ج ۸، ص ۲۴۸؛ الاصابه، ج ۸، ص ۳۵.  
 ۲. الطبقات، ج ۸، ص ۲۴۸؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۰؛ الاصابه، ج ۸، ص ۳۵.  
 ۳. المغازی، ج ۱، ص ۱۵۸.  
 ۴. المغازی، ج ۱، ص ۳۰۱؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۲۹.

کتاب سلیم بن قیس: الهلالی (م. ۷۶ق.)، به کوشش انصاری، قم، الهادی، ۱۴۲۰ق؛ کمال الدین: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البحرین: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیر، بیروت، دار الأفاق الجدیدة؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ المناقب: الخوارزمی (م. ۵۶۸ق.)، به کوشش مالک محمودی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ الولایه: ابن عقده الکوفی (م. ۳۳۳ق.)؛ البقین: سید ابن طاووس (م. ۶۶۴ق.)، به کوشش انصاری، دار الکتب، ۱۴۱۳ق.

محمد وحیدی



## ابوقبیس، کوه: کوه مقدس مشرف بر

### مسجدالحرام

کوه ابوقبیس در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر آن است<sup>۱</sup> و شعب ابی طالب\* از آن جا آغاز می شود. (تصویر شماره ۱۱) ارتفاع آن را از سطح دریا ۴۲۰ متر و از سطح دامنه ۱۲۰ متر دانسته اند.<sup>۲</sup> به گفته ناصر خسرو، این

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۰؛ مراد اطلاع، ج ۲، ص ۱۰۶۶.

۲. تاریخ و آثار اسلامی مکه، ص ۹۵.

کوه گنبدی شکل بوده است<sup>۳</sup>؛ ولی امروزه آن را تراشیده اند. ابوقبیس را نخستین<sup>۴</sup> و برترین<sup>۵</sup> کوه زمین خوانده اند.

نام این کوه برگرفته از اسم شخصی از قبیله مدحج<sup>۶</sup> یا ایاد<sup>۷</sup> است که برای نخستین بار بر دامنه آن خانه ای ساخت.<sup>۸</sup> به گفته برخی چون ابوقبیس بن شالح از قبیله جرهم بر اثر اختلاف با خویشاوندان خود به این کوه پناه برد و دیگر خبری از او باز نیامد، آن کوه به این نام شهره شد.<sup>۹</sup> برخی نیز با توجه به مناسبت معنایی ابوقبیس با «قبس» (قطعه ای از آتش) گفته اند که حضرت آدم علیه السلام از این کوه آتش برگرفت.<sup>۱۰</sup> نام های ابوقابوس و شیخ الجبال نیز بر ابوقبیس اطلاق شده است.<sup>۱۱</sup>

در فضیلت این کوه آورده اند که چون حجرالاسود از بهشت فرود آمد، در این کوه به ودیعت گذاشته شد. سپس ابراهیم آن را در ساخت کعبه به کار برد.<sup>۱۲</sup> در طوفان نوح نیز

۳. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۱۹.

۴. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۳۲.

۵. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۲۵.

۶. الجبال و الامکنه، ص ۲۷.

۷. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۷.

۸. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۵، ۲۶۷؛ معجم البلدان، ج ۱،

ص ۸۰؛ الجبال و الامکنه، ص ۲۷.

۹. الروض الاتف، ج ۳، ص ۹۰.

۱۰. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰.

۱۱. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰.

۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶-۲۷.